نگاهی به سریال «راز ناتمام»
و محوریت تاریخ شفاهی انقلاب در قصه‌ها

برداشت دراماتیک از بستر غنی تاریخ

نوشین مجلسی
گروه رسانه

«تاریخ شفاهی یکی از شیوه‌های پژوهش در تاریخ است که به شرح و شناسایی وقایع، رویدادها و حوادث تاریخی براساس دیدگاه‌ها، شنیده‌ها و عملکرد شاهدان، ناظران و فعالان آن ماجراها می‌پردازد.» این تعریف کوتاه اما رسا از تاریخ شفاهی می‌تواند این مفهوم را روشن‌تر بیان کند؛ مفهوم و در واقع روشی که اگر با تکنیک‌های روز رسانه پیوند بخورد، می‌تواند به یکی از جذاب‌ترین قالب‌ها برای شرح تاریخ بدل شود. برخی سریال‌های تلویزیونی هم از این ظرفیت استفاده کردند و در کار خود به‌ویژه برای غنی‌تر کردن بخش فیلمنامه، تاریخ شفاهی را به کار بستند. یکی از سریال‌هایی که می‌توان در این زمینه نام برد و البته پیش از پخش، مدت‌ها تصاویری از گریم‌های آن در فضای مجازی منتشر شده بود و بسیاری را به تماشایش راغب می‌کرد، «راز ناتمام» است. این سریال که زندگی شهید محمدجواد باهنر را به تصویر می‌کشید، شخصیت‌های سیاسی معاصر دیگر همچون محمدعلی رجایی، سیدمحمد بهشتی، اکبر هاشمی‌رفسنجانی، ابوالحسن بنی‌صدر و... را هم به قاب قصه آورد و از آنجا که گریم‌های شخصیت‌های واقعی آن بسیار نزدیک به حقیقت جلوه می‌کرد، توجهات زیادی را به‌سوی خود کشاند. در ادامه نگاهی به این سریال و چالش‌های روایت تاریخ شفاهی داشتیم.

سریال راز ناتمام به کارگردانی و تهیه‌کنندگی امین امانی امسال روی آنتن تلویزیون رفت؛ سریالی که به‌واسطه سوژه حساس خود نیازمند پژوهش در مرحله پیش‌تولید، نگارش و حتی اجرا بود. امانی در زمان پخش این سریال در گفت‌وگو با جام جم این روند را تشریح کرده و گفته بود: «کار تحقیق و پژوهش راز ناتمام چیزی نزدیک به یک سال توسط تیمی مجرب و با حساسیت بالا در دست پیگیری بود؛ حساسیتی که بیشتر از آنجا نشأت می‌گرفت که این مقطع زمانی از تاریخ هنوز آنچنان مشمول مرور زمان نشده است و جدا از خواص که قطعا آن مقطع زمانی را در خاطر دارند، بسیاری از مردم نیز آن دوره را به یاد می‌آورند و ما نیز به همین دلیل نیازمند تحقیق و پژوهشی گسترده بودیم تا مبادا کوچک‌ترین نکته‌ای از قلم نیفتد یا به‌قدر سرسوزنی از واقعیت حوادث رخ داده، فاصله نگیریم یا خدای ناکرده تحریفی در تاریخ پدید نیاوریم؛ اتفاقی که بابتش خداوند را شاکریم این‌که تا به‌حال و در پی قسمت‌های پخش شده از راز ناتمام به‌هیچ عنوان شاهد چنین اتفاقی نبوده‌ایم و این برای ما بسیار ارزشمند است. در مورد تقسیم کار صورت گرفته نیز اتفاقی که رخ داد به این صورت بود که سید جلال‌الدین دری، طرح اولیه را زد و پس از آن متن اولیه توسط سمانه میرعابدینی نوشته شد و سپس به مروز زمان و در مقطعی حدود یک سال من و هدایت کریم‌زاده به بازنویسی فیلمنامه پرداختیم.»

چالش‌های تصویر عصر امروز

همان‌طور که اشاره شد تحقیق و اتکا بر اسناد اگر در همه آثار نمایشی پسندیده باشد، در آثار تاریخی به‌ویژه تاریخ معاصر که همچنان بازماندگانی از آن دوران در قید حیات هستند و کتب و سندهای بیشتری از آن در دسترس داریم، واجب است. این مسیر همان‌قدر که به‌خاطر نزدیکی زمانی آسان‌تر از پرداخت به دیگر برهه‌های تاریخی به نظر می‌رسد، همان اندازه چالش‌برانگیز هم هست؛ زیرا به‌دلیل زنده بودن اشخاص موثر آن دوره و طبیعتا تضارب آرای بیشتر در مورد رخدادها، نظرات متفاوتی هم نسبت به اثر تولیدی ایجاد خواهد شد؛ مخصوصا زمانی که شخصیت‌های واقعی به تصویر کشیده شوند، حساسیت بالاتر هم می‌رود. بخشی از این حساسیت را هم می‌توان از سوی خانواده و نزدیکان این افراد شاهد بود که ممکن است نوع تصویری که از آن شهید یا دیگر شخصیت‌ها به نمایش درمی‌آید به ذهن آنان نزدیک نباشد. قطعا تمام این چالش‌ها را می‌توان برای سریالی همچون راز ناتمام هم متصور بود.

امانی در گفت‌وگو با جام‌جم درباره اهمیت و البته چالش‌های به تصویر کشیدن شخصیت‌های معاصر می‌گوید: «شخصیت‌های بسیاری داریم که هر کدام‌شان می‌توانند محور یک سریال قرار بگیرند اما متاسفانه به آنها پرداخته نشده است. اگر مردم ما و حتی کمپانی‌های خارجی قصه این افراد را بدانند، تمایل دارند که کاری در این‌باره ساخته شود. همان‌طور که گفتم به‌نظرم متاسفانه برای شخصیت‌های والامقامی که در انقلاب و هشت سال جنگ داشتیم و زندگی‌های به‌شدت دراماتیکی داشتند کم‌کاری شده است. اگر این قصه‌ها برای مثال دست هالیوود برسد، آنها را به آثاری مثل جیمزباند بدل می‌کند. می‌خواهم بگویم که این زندگی‌ها بسیار قابلیت به تصویر کشیده شدن و جذاب بودن برای مخاطبان را دارند. لکن حساسیت‌ها نسبت به درست تصویر کردن این شخصیت‌ها آن‌قدر بالاست که گاهی فیلمسازان می‌ترسند سراغ آنها بیایند. نباید با حساسیت زیاد اصطلاحا از آن طرف بوم بیفتیم.»

یک برهه پرقصه

همان‌طور که اشاره شد پرداختن به پروژه‌های تاریخ شفاهی به‌خصوص در زمانی که تنور جنگ روایت‌ها درباره رخدادهای معاصری چون انقلاب در رسانه‌های گوناگون داغ است، اهمیت ویژه‌ای دارد اما نباید به صرف این اهمیت، بی‌گدار به آب زد و لازم است با تجهیزات وارد میدان شد. بخش مهمی از این تجهیز بودن در مورد یک سریال تلویزیونی به فیلمنامه غنی و استوار بر منابع متقن برمی‌گردد؛ متنی به دور از شعارزدگی، بر پایه واقعیت‌ها و نقل‌های قابل اعتماد که با عناصر جذاب درام تنیده شده باشد، می‌تواند پاسخ درخوری به این نیاز بدهد. البته به شرطی که در مرحله اجرا یعنی در بخش تولید، کارگردانی و بازیگری هم موفق از آب درآید. در واقع پژوهش نباید صرفا به پیش‌تولید و نگارش متن محدود شود بلکه بهره بردن از منابع تاریخ شفاهی یکی از کمک‌کننده‌ترین راه‌ها برای بازیگر و کارگردان هم می‌تواند باشد. در همین ارتباط عده‌ای باور دارند راز ناتمام همان اندازه که در تصویر به‌خاطر گریم‌های باورپذیر تماشایی است، در قصه، بازی و کارگردانی می‌توانست بهتر از این باشد. قصه سریال با رفت و برگشت میان حال و گذشته، برقراری ارتباط میان شخصیت‌های امروزی و دیروزی و تلفیق تخیل نویسنده با اتفاقات واقعی - که در محدوده سال‌های انقلاب در این کشور رخ داده است- تلاش دارد نگاهی تازه ارائه دهد ولی در برخی قسمت‌ها در برقراری این ارتباط و ایجاد جذابیت بازمی‌ماند. شنیده‌ایم که می‌گویند اتفاقات در زمان حال همزادی در گذشته دارند یا این‌که ضرب‌المثل‌های بین‌المللی زیادی درخصوص تمایل تاریخ به تکرار شدن به گوش‌مان خورده است. در این سریال همین نگاه ساری است و دو جریان نفوذ در بدنه امنیتی و سیاسی نظام به‌صورت موازی در گذشته و حال پیگیری می‌شود. این خط داستانی با حضور شخصیت‌های نام‌آشنا و چهره‌های برجسته سیاسی که هر کدام می‌توانند به‌صورت مجزا در یک اثر نمایشی تصویر شوند، ظرفیت‌های عمیقی را در اختیار کارگردان و نویسنده قرار می‌دهد که می‌توانست برداشت بهتری از آن صورت گیرد. درواقع انتظار مخاطبان هنگام تماشای اثر برداشت دراماتیک بیشتری از این ظرفیت‌هاست که چندان شاهدش نیستیم.

رویکرد

دورانی مهم از دریچه هنر

نگین معتضدی، بازیگر نقش لیلا در این سریال در مورد ظرفیت ناب این دوره از تاریخ و قصه‌های بسیاری که در دل خود دارد به جام جم گفته بود: «به نظر من، اواخر دهه ۴۰، سال‌های ۴۸ و ۴۹ تا سال ۱۳۶۸ یکی از مهم‌ترین مقاطع زمانی تاریخ معاصر ایران است. چرا؟ چون از اواخر دهه ۴۰ شاهد حضور و فعالیت احزاب مختلف در ایران هستیم. این دلیل و دلایل دیگر که به آن اشاره خواهم کرد، این مقطع زمانی را برای من بسیار جذاب می‌کند و حتی بیشتر مایل بودم کاراکتری که ایفای نقش آن را به‌عهده دارم متعلق به آن دوران می‌بود و نه زمان حال حاضر. ازجمله دیگر دلایل چنین تفکری، آن شکوفایی قابل‌توجهی است که در ادبیات‌مان، ادبیات نمایشی‌مان، رمان‌نویسی‌مان و... مشاهده می‌کنیم و همین، دوران ذکرشده را به دورانی مهم از لحاظ هنری تبدیل می‌کند. از نظر من، انقلاب در هر جامعه‌ای، اتفاقی بزرگ است که به ایجاد شکافی عمیق منجر می‌شود؛ چه زمینه‌سازی‌اش که چندین سال به‌طول می‌انجامد و چه چندین سال پس از وقوعش که تا رسیدن به ثبات نیازمند زمان است. اتفاقی که پیش و پس از انقلاب اسلامی ایران نیز رخ داد و نکته دیگر این که به فاصله کوتاهی پس از آن شاهد ورود کشور به بحرانی به نام جنگ تحمیلی و عواقب و تبعات آن بودیم. همه اینها، آن دوران را به دورانی مهم در تاریخ معاصر ایران تبدیل کرده و در نتیجه برای من ایفای چنین نقشی چه در آن دوران و چه در دوران معاصر، اتفاقی خوشایند و مهم است.»

آنتن

«حکم رشد» جای «برادر جان» را گرفت

آخرین قسمت سریال «برادر جان» هفته گذشته روی آنتن شبکه آی‌فیلم رفت و بلافاصله مجموعه تلویزیونی «حکم رشد» به جدول پخش آی‌فیلم اضافه شد. داستان سریال «حکم رشد» به کارگردانی حسن لفافیان از آنجا شروع می‌شود که یک سرهنگ نیروی انتظامی تصمیم می‌گیرد ریاست کلانتری محل زندگی پسرخاله‌اش که برادر شیری‌اش هم هست را بپذیرد؛ تصمیمی که تقریبا تمام اعضای خانواده با آن مخالف هستند، چراکه برادرش آدم شروری است و آنها فکر می‌کنند که این برادر شرور ممکن است باعث دردسر سرهنگ شود. تهیه‌کنندگی این سریال را مهدی فرجی به‌عهده داشته و بازیگرانی چون ثریا قاسمی، مهرداد ضیایی، شهین تسلیمی، علیرضا مهران، حمید ابراهیمی، مه‌لقا باقری و نیلوفر شهیدی در آن به ایفای نقش پرداخته‌اند. مجتبی فلاحی بازیگر تئاتری است که نخستین تجربه حضورش در یک مجموعه تلویزیونی را با این سریال انجام داد و با توجه به بازی خوبی که داشت مورد توجه مخاطبان بسیاری قرار گرفت. براساس این گزارش، سریال حکم رشد هر شب ساعت ۲۰ روی آنتن آی‌فیلم فارسی می‌رود.

پخش

«زیرخاکی» تماشایی می‌شود

سریال «زیرخاکی» به نویسندگی و کارگردانی جلیل سامان به‌زودی از شبکه تماشا پخش خواهد شد. فصل اول این مجموعه در ۶ اردیبهشت ۱۳۹۹ روی آنتن شبکه یک رفت و فصل دوم آن از ۷ خرداد ۱۴۰۰ پخش شد. فصل سوم زیرخاکی نیز در نوروز ۱۴۰۱ از همین شبکه پخش شد.

این مجموعه به دلیل استقبال مخاطبان و پربیننده بودن در سه فصل تولید شد و روی آنتن شبکه یک رفت. این مجموعه تلویزیونی کمدی-تاریخی که مربوط به دهه‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰ خورشیدی است، داستان مردی به نام فریبرز باغ‌بیشه را به تصویر می‌کشد که به دنبال زیرخاکی می‌گردد. او طی داستان درگیر مسائلی همچون؛ دستگیری به جرم پخش اعلامیه ضدشاه، کمک به برادرش در تعمیر موشک ارتش و ... می‌شود. جالب این که در همه این موارد او از ماجراهایی که پیرامون تحولات ایران رخ می‌دهد، بی‌خبر و بی‌اطلاع و مشغول به کار خودش است. پژمان جمشیدی، ژاله صامتی، نادر فلاح، هادی حجازی‌فر و اصغر نقی‌زاده از بازیگران این مجموعه تلویزیونی هستند. چندی پیش هر سه فصل «زیرخاکی» از شبکه آی‌فیلم روی آنتن رفت و حال قرار است برای مخاطبان شبکه تماشا پخش شود.

خاطرات کاغذی

آقای خط

مریم فلاح: باور کردنی نیست که یک خط ساده بتواند این قدر تنوع و جذابیت ایجاد کند. کاری که «اوسوالدو کاواندولی» طراح و انیماتور برجسته ایتالیایی انجام داد. این انیمیشن، طراحی دو بعدی ساده‌ای است از نیمرخ کاراکتر اصلی که به نام آقای «خط» شناخته می‌شود. آقای خط، روی یک خط بی‌انتها که خود او نیز جزئی از آن است، راه رفته و با موانعی روبرو می‌شود و غالبا از طراح می‌خواهد تا برایش راه‌حلی بیابد. یک آدم خطی که حتی نمی‌تواند از خط زمینه جدا شود در هر قسمت ماجراهایی ساده را از سر می‌گذراند. این محدودیت آنچنان با خلاقیت طراح اثر جلوه کرد ه بود که به یکی از جذابیت‌های دنیای انیمیشن در دهه ۹۰ میلادی تبدیل شد. آقای خط قابلیت تبدیل شدن به هر خطی را داشت. ضمن این که ارتباط خوبی هم با آقای طراح داشت وهر جا و هر زمان کمک‌های خیرخواهانه او نصیبش می‌شد، چون آقای خط را از نیمرخ می‌دیدیم، از این زاویه بینی بزرگش ویژگی اش می‌شد. آقای خط سال‌های زیادی به عنوان شخصیتی جهانی به شمار آمد و اهل دقت و تماشاگران سختگیر را شیفته خود کرد.

کیوآرکد را اسکن کنید